

الهی چیست غیر دست خط تو بر پیشانی سرنوشتم و کیست غیر تو که در آینه آیندهام به انتظار من؟ کجاست آسمانی که رنگ تو را ندارد و ابرهائی که تو را نمی‌بارند و زمینی که تو را شکوفه نمی‌کند؟ من کیستم آنجا که همه تو می‌شوند و همه از تواند؟ ای پادشاه بی‌غروب! فرمانروای از همیشه تا همیشه! من کیستم؟ من کیستم؟ جز سربازی به زانو افتاده و شکست‌خورده از خویش! مگرم تو پیش خوانی و باز نوازی و بسازی‌ام از نو!

هفت

صفحه ۴ ضمیمه نوجوان روزنامه **هفت** شماره ۲۱۲

www.qudsonline.ir

شنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۵ | ۲۹ ذی‌الحجه ۱۴۳۷ | ۱ آگوست ۲۰۱۶

پلی ملی که به دست جوانان ایرانی ساخته شد
اما رضاشاه موفقیتش را به نام خودش ثبت کرد

ورسک ایرانی

وقتی حرف از بل‌های راه‌آهن به میان می‌آید آدم یاد فیلم‌های سیاه و سفید آمریکایی می‌افتد که قطاری را نشان می‌داد که از جاده‌های پرپیچ‌وخم می‌گذشت و از دودکش جلوی آن کلی دود سفید به هوا بلند می‌شد، اما...

در صفحه ۳ بخوانید

بچه‌های دیروز، بچه‌های امروز

من طرفدار شما هستم

دیروز - هیچ خبری نبود. شما اگر در کاری موفقیتی رو کسب می‌کردی درست مثل وظیفه بهش نگاه می‌شد. به‌ندرت حق داشتیم اشتباهی مرتکب بشیم. پدر و مادرها این قدر گرفتار روزمرگی‌ها و گرفتاری‌هایی مثل کوبن و صف بودند که وقت نداشتن برای کارهای مثبت ما رو تشویق کنند. ما هم گمان می‌کردیم همیشه که هست. مثلاً...

در صفحه ۳ بخوانید

همه تفاوت‌های سال تحصیلی جدید

بازآمد بوی تغییر در مدرسه...!

دانش آموزان دوره متوسطه دوم، امسال بیشترین تغییر را در کتاب‌های درسی‌شان تجربه می‌کنند. برای اولین بار در این دوره و در سال تحصیلی جدید چهار کتاب درسی با عنوان‌های «انسان و محیط زیست»، «تفکر و سواد رسانه‌ای»، «سلامت و بهداشت» و «کار و فناوری» به این مقطع اضافه شده است. این کتاب‌ها بیشتر سبک زندگی درست را به دانش آموزان آموزش می‌دهند. این تغییرات شامل کتاب‌هایی از جمله ریاضیات، مطالعات اجتماعی، ادبیات و دستور زبان فارسی، زبان انگلیسی و دروس آزمایشگاهی هم می‌شود.



نعمه موحدا! آن موقع‌ها وقتی یک نفر به کلاس اول می‌رفت تقریباً همه می‌دانستند که از اول سال تا آخر سال چه درس‌هایی می‌خواند. شیوه تدریس معلم‌ها هم تقریباً زیاد یا یک‌دیگر فرقی نداشت. راستش را بخواهید درباره بقیه مقاطع تحصیلی هم همین‌طور بود. مثلاً اگر قرار بود در دبیرستان رشته تجربی را انتخاب کنیم و ادامه تحصیل بدهیم، تقریباً می‌دانستیم که ۹۰ درصد درس‌هایی که خواهیم خواند چه درس‌هایی هستند. البته نه اینکه فکر کنید آن موقع‌ها بهتر بود. نظام آموزش و پرورش ما سال‌ها بود که احتیاج به بازنگری و اصلاح داشت. این بازنگری هنوز کامل انجام نشده، اما چند سالی است که شروع شده و این نشان می‌دهد آموزش و پرورش در حال ابداع روش‌های جدید و جایگزین کردن آنها با شیوه‌های قدیمی است. همچنین حواسش هست که شیوه‌های جدید چقدر جواب می‌دهند؛ البته معلم‌ها هم باید به‌روز تر باشند. حالا ببینیم سال تحصیلی ۹۶-۹۵ چه درس‌ها و روش‌های جدیدی برای دانش آموزان به ارمغان آورده است.

سالی کاملاً جدید برای دهمی‌ها

دانش آموزان دوره متوسطه دوم، امسال بیشترین تغییر را در کتاب‌های درسی‌شان تجربه می‌کنند. برای اولین بار در این دوره و در سال تحصیلی جدید چهار کتاب درسی با عنوان‌های «انسان و محیط زیست»، «تفکر و سواد رسانه‌ای»، «سلامت و بهداشت» و «کار و فناوری» به این مقطع اضافه شده است. این کتاب‌ها بیشتر سبک زندگی درست را به دانش آموزان آموزش می‌دهند. این تغییرات شامل کتاب‌هایی از جمله ریاضیات، مطالعات اجتماعی، ادبیات و دستور زبان فارسی، زبان انگلیسی و دروس آزمایشگاهی هم می‌شود. حجت‌الاسلام «محمّدالدین بهرام محمدیان»، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی می‌گوید: «روش آموزش در پایه دهم دوره دوم متوسطه تغییر پیدا کرده و به همین خاطر والدین باید در جلسات انجمن اولیا و مربیان شرکت کنند تا در جریان این تغییر و تحولات قرار گرفته و با هماهنگی اولیای دانش‌آموزان و مدرسه بتوانند به درس دانش‌آموزان کمک کنند.»

از طرفی در سال تحصیلی جدید تغییراتی در اصطلاحات تخصصی کتاب‌های زیست‌شناسی به وجود آمد، به طوری که خیلی از این اصطلاحات باید با معادل فارسی آن یاد گرفته بشوند. این موضوع اعتراض بعضی از دبیرهای زیست‌شناسی را به دنبال داشت، اما مسؤولان آموزش و پرورش با آوردن دلایلی این اعتراض‌ها را قبول نکردند.

انتخاب رشته از سال نهم

یکی از تفاوت‌های سال تحصیلی جدید با سال قبل، این است که دانش‌آموزان به جای پایه دهم از این‌بعد در پایه نهم انتخاب رشته می‌کنند. به گفته وزیر آموزش و پرورش امسال ۱۲/۶۵ درصد در رشته ریاضی، ۳۲/۴۸ درصد در رشته تجربی، ۲۲/۵۴ درصد در رشته انسانی، ۰/۵ درصد در رشته معارف، ۱۷/۴۱ درصد در رشته فنی و ۱۲/۳۷ درصد در رشته کارودانش ثبت‌نام کرده‌اند.

طبق گفته وزیر آموزش و پرورش پیش‌بینی می‌شود سال تحصیلی ۹۶-۹۵ با تعداد ۱۰۷ هزار مدرسه و ۹۴۷ نیروی فرهنگی پذیرای ۱۳ میلیون و ۵۰۰ هزار دانش‌آموز باشد.

توجه بیشتر به مناطق محروم

مناطق محروم همیشه یکی از مشکلات اساسی آموزش و پرورش بوده است. بچه‌ها در این مناطق گاهی به دلایل فرهنگی و گاهی به دلیل نبود امکانات نمی‌توانند درس بخوانند. از آن طرف عده‌ای هم که می‌توانند درس بخوانند معمولاً امکانات آموزشی کمی دارند که گاهی باعث به وجود آمدن حادثه روستای «شین‌آباد» و آسیب دیدن بچه‌ها به وسیله آتش گرفتن بخاری‌های غیراستاندارد و خراب می‌شود. در سال تحصیلی جدید برای اولین بار برای حمایت از مناطق محروم ۳ هزار «راهبر آموزشی» به کار معلمان، توسعه کارگاه‌ها و سامانه گرمایشی روستایی، ایاب و ذهاب، توزیع کتاب و بهداشت دهان و دندان در مناطق محروم نظارت می‌کنند.

معلم‌های تازه‌نفس

۲۶ هزار معلم جدید که از فارغ‌التحصیلان دانشگاه فرهنگیان و جزو پذیرفته‌شدگان استخدامی وزارت آموزش و پرورش هستند هم در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ وارد مدارس می‌شوند تا بخشی از کمبود نیروی انسانی نظام تعلیم و تربیت جبران شود. آقای «محمد دیمه»، معاون آموزش ابتدایی وزیر علوم می‌گوید که امسال ۱۳ هزار معلم جذب مدارس ابتدایی می‌شوند، اما باز هم با کمبود نیرو روبه‌رو هستیم. البته این کمبود معلم برای مقاطع تحصیلی دیگر هم هست. مخصوصاً در مناطق محرومی مثل خوزستان که معلم‌ها برای حاضر شدن سر کلاس درس باید سختی‌های زیادی را تحمل کنند.

به امید پایان آزمون و خطاها

با همه این تغییرات سال تحصیلی جدید هم چند روزی است که شروع شده است. حالا که کم‌کم از حال و هوای اول مهر فاصله می‌گیریم و درس و بحث‌ها در مدارس به صورت جدی شروع می‌شود، باید ببینیم چقدر از این تغییرات مفید و چقدر از آنها مضر خواهند بود تا سال‌های بعد بتوانیم نظام آموزشی بهتری داشته باشیم؛ البته این آزمون و خطاها هم باید بعد از چند وقت به شیوه ثابتی برسد. به امید آن روز.

تعداد ۱۳۴ میلیون جلد کتاب درسی برای سال تحصیلی جدید تهیه و توزیع شد و برای پایه دهم که مصادف با اولین سال بازگشایی این مقطع تحصیلی است ۱۴۰ عنوان جدید تألیف شده است.

فراخوان بزرگ هفت

دل‌تون می‌خواود نوشته‌هاتون رو همین جا چاپ کنیم! فقط

شما می‌تونید نوشته‌هاتون رو برای ما بفرستید تا به اسم خودتون چاپ بشه و بقیه هم اونارو بخونند.

محدودیتی در تعداد آثارتون برای ارسال وجود نداره.

نوشته‌هاتون رو فقط باید برامون میل کنید. جوری دیگه به دست ما نمی‌رسه.

نوشته‌هاتون رو حتماً تایپ کنید.

حتماً رو نوشته‌هاتون مشخصات کامل، شامل نام و نام خانوادگی، سال تولد، شماره تماس و نشانی پست الکترونیکی‌تون (اگه دارید) رو بنویسید تا ما بتونیم باهاتون تماس بگیریم.

لطفاً به این نشانی میل کنید: inja.8.asi@gmail.com

سعی کنید هر اثرتون بیشتر از ۵۰۰ کلمه نشه.

نوشته شما می‌تونه به شعر، داستان، خاطره، دل‌نوشته، نقد و یا گزارش باشه.

دل‌مون می‌خواود هر چند وقت یکبار بهترین اثر رو معرفی کنیم و بهش جایزه بدیم... تا چی پیش بیادا

ورسک

تازه موضوع که خلیج در ساخت این پل اهمیت دارد این است که برای ساخت آن از طبیعت ما به‌شدت استفاده و مثل امپرسیون‌ها نودند که خط‌ها را خراب کنند و پل را سرنگ کنند. این مهندسان تصمیم گرفتند دست به طبیعت اطراف نزنند. این مانه باعث شد که مسیر لیم با فرار و فرود لوله همراه شود. اما با این حال درختی قطع نشد

ملیحه محمودخواه | وقتی حرف از پل‌های راه آهن به میان می‌آید می‌داد که از جاده‌های بریج و خم می‌گذشت و از دودکش جلوی آن کلی رفتن باشیید حتماً از پل خیلی ترسناکی عبور کرده‌اید. این پل نامش خیلی هیجان دارد. ورسک، پلی ملی است که به کوشش مهندس‌سان ایران ساخت این پل تمام شد و اولین قطار با سلامت از روی آن گذشت رضا

دوی خط هشت



امیدواریم روز اول هفته را با کلی انرژی شروع کنید. امروز از دنیای کوآلایا برایتان خبر آورده‌ایم و از اینکه جشن عاطفه‌ها برگزار می‌شود؛ از ابرایانه‌ای که معلم می‌شود و هشدار در مورد پاک کردن گوش. امروز را با ما همراه باشید.

پانا

مدارس عشایری هوشمند می‌شوند

بچه‌های عشایری مدام مجبورند به همراه خانواده‌هایشان از جایی به جای دیگر کوچ کنند، اما آموزش و پرورش به فکر این بچه‌ها بوده است و سعی کرده امکاناتی را برایشان فراهم کند. امسال سهم این بچه‌ها بیشتر شده و قرار است صددرصد کلاس‌های پایه ششم مدارس عشایری مجهز به رایانه شود. قرار است بعضی از مدارس چادری به کانکسی تبدیل شود و در ۲۳ استان عشایری نیز اقدامات خوبی برای هوشمندسازی مدارس انجام شده است.



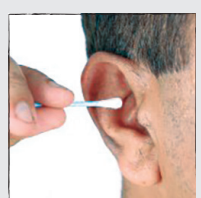
برای جلوگیری از ترک تحصیل بچه‌های عشایری نیز مدارس شبانه‌روزی ۱۹۹ مورد افزایش یافته و بر همین اساس در استان اردبیل ۱۱ مدرسه شبانه‌روزی عشایری دایر شده است.

مدارس عشایری

سیناپرس

گوش سالم نیاز به تمیز کردن ندارد

اصلاً این عادت درستی نیست که بعضی‌ها بعد از حمام کردن گوش پاک‌کن دست‌شان می‌گیرند و مدام داخل گوش‌شان را تمیز می‌کنند، زیرا پزشکان می‌گویند گوش پاک‌کن وسیله‌ای غیراستاندارد است و به کانال گوش آسیب می‌زند. آنها مدام توصیه می‌کنند که جرمی که در گوش جمع می‌شود برای حفاظت گوش در مقابل خیلی چیزها مثل حشرات است و خودش در کانال خارجی گوش از داخل به خارج حرکت می‌کند و دفع می‌شود. بنابراین اصلاً نیازی نیست با گوش پاک‌کن به جان گوش‌تان بیفتید، زیرا با این کار به پرده گوش‌تان آسیب خواهید زد.

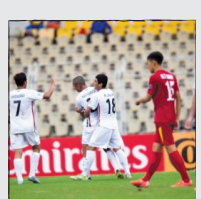


گوش پاک‌کن‌ها غیراستاندارد هستند

باشگاه خبرنگاران جوان

شیربچه‌های فوتبال ایران در فینال آسیا

این روزها تیم‌های فوتسال و فوتبال نوجوانان کشورمان گل کاشتند. بچه‌های تیم ملی نوجوانان در بازی مقابل کره شمالی پیروز شدند و جواز عبور به مرحله نهایی رقابت‌های قهرمانی آسیا را به دست آوردند. در این دیدار ۹۰ دقیقه بازی دو تیم با تساوی پیش رفت که بچه‌های ما توانستند در ضربات پنالتی بازی را به نفع خود تمام کنند و نتیجه را شش بر پنج ببرند و به این طریق فینالیست شوند. تیم ملی فوتبال نوجوانان ایران در دیدار پایانی رقابت‌های قهرمانی آسیا به مصاف عراق می‌رود.

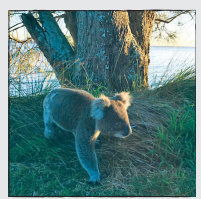


پیروزی دلچسب

باشگاه خبرنگاران جوان

لحظه کمیابی از کوآلایا که ثبت شد

کوآلایا از آن دست حیوانات خوشگلی هستند که برخلاف خیلی از حیوانات بعضی آدم‌ها دوست دارند یکی از آنها را پیش خودشان داشته باشند. بیشتر مردم کوآلایا را در عکس‌ها و دنیای واقعی وقتی دیده‌اند که بیشتر روی درخت هستند و مثل کتبه به آن چسبیده‌اند، اما عکاسی وقتی به سواحل سالاماندر رفته بود کوآلایی را دید که از درخت پایین آمده و در حال گردش بود. او که از این صحنه‌های منحصربه‌فرد عکس می‌اندازد دید که این کوآلایا روی شن‌ها قدم می‌زند و شن‌های نمکی را لیس می‌زند. پزشکان می‌گویند شاید او دچار نوعی کمبود ویتامین شده که نمک دریایی را مزه می‌کرده است.



کوآلایا نمک دریایی

پلی در شمال کشور

پل ورسک در فاصله ۱۱۰ متری دره ساخته شده و دهانه‌اش ۶۶ متر است و تاریخ زیادی را به خودش دیده است. در زمان جنگ جهانی دوم از طریق این پل برای سربازان متفقین (فرانسه، انگلستان، چین، اتحاد جماهیر شوروی، ایران و آمریکا) غذا و مایحتاج می‌بردند و به خاطر همین «چرچیل»، نخست‌وزیر انگلستان به آن «پل پیروزی» می‌گفت. این پل سال‌هاست که ساخته شده و روزانه چندین بار قطار تهران - ساری و تهران - گرگان از روی آن می‌گذرد. این پل علاوه بر آنکه مسیر مهمی است و مرکز ایران را به شمال کشور وصل می‌کند، یکی از جاذبه‌های گردشگری نیز به حساب می‌آید.



کار دشوار

ساخت راه‌آهن برای عبور قطار اصلاً کار ساده و آسانی نیست و برای ساخت جاده باید خیلی اتفاق‌ها کنار هم قرار بگیرند تا جاده درست و درمانی ساخته شود. در واقع برای ساخت راه‌آهن باید کلی محاسبات ریاضی و فیزیک انجام شود و حتی قدرت خاک هم بررسی شود. گاهی دل کوه باید کنده شود و گاهی دره‌ای پوشانده شود تا جاده‌های شکل بگیرد.

چرا ورسک

می‌گویند به این دلیل این پل ورسک نام داشت که در کنار این پل، روستایی وجود داشت که بیست خانوار هم بیشتر نداشت و وقتی پل ساخته شد اهالی آنجا مجبور شدند که به روستای عباس‌آباد بروند و نام آنجا را عباس‌آباد ورسک گذاشتند. در اطراف این روستا درختچه‌هایی به نام «ورس» وجود دارد که این منطقه را به این نام مشهور کرده است؛ البته بعضی‌ها هم می‌گویند سازنده این پل فردی به نام «شز ووسک» بوده و ایرانی‌ها برای آنکه او را صدا کنند و اسمش هم سخت بوده، اسمش را مخفف می‌کردند و ورسک صدايش می‌کردند و پل نیز به همین نام شهرت پیدا کرده است.

پلج از جاهایی که برای مهندسان به مشکل بزرگ تبدیل شده بود ورسک بود. این دره در نزدیکی تنگه هزار دشت و یک جاک تفریح هم برای مردم به حساب می‌آمد و نقش‌ها این لونه شده بود که راه‌آهن از این مسیر عبور کند. هر آنکه نبود و نیاز به مایحتاج روستا داشت و به همین دلیل وقت و انرژی زیاد از مهندسان و طراحان این راه می‌گرفت. این مسیر دره بزرگ داشت که قطر نیم توانست از داخل آن رد شود و باید هم مسیر چریک برای آن ساخته می‌شد. اما بالاخره تلاش‌ها که آنها نتیجه‌دار و هزار شد پلج درست شود تا قطار از روی آن عبور کند.

ساخت پل ورسک از سال ۱۳۱۳ شروع شد و اردیبهشت سال ۱۳۱۵ به صورت رسمی افتتاح شد. این پل در مهرماه سال ۱۳۵۶ ثبت ملی شده است. هزینه ساخت این پل در زمان خودش ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان شده بود. مهندس سازنده این پل را که رضاشاه به همراه خانواده‌اش زیر پل نگه داشت تا اولین قطار از روی آن بگذرد بعد از مدتی از بالای پل پرت شد و از دنیا رفت. او را در تپه‌ای مشرف به این پل دفن کردند.

دیروز - هیچ خبری نبود. شما اگر در کاری موفق بهش نگاه می‌شد. به‌ندرت حق داشتیم اشتباه روزمرگی‌ها و گرفتاری‌هایی مثل کوبین و صف به تشویق کنند. ما هم گمان می‌کردیم همینکه که کشور اول شدیم هیچ کس خبردار نشد. هیچ نش می‌کردم کار مهمی نکردم و خیلی ساده و بی‌اد متوسط بودم و برای مدیر و معلم اون آموزشگاه این کشور انجام دادم.

سرم رفته تو لاک زندگی ام و گرفتار یک نون
بخور و نمری. فقط به زغرفه می‌مونه اونم اینه که
این همه وقت که برای شمر گذاشتم آله توکی
بناز تلف می‌کردم الان برای خورم شخص
صاحب مال بورد و صاحب اضرام.



دیروز - هیچ خبری نبود. شما اگر در کاری موفق بهش نگاه می‌شد. به‌ندرت حق داشتیم اشتباه روزمرگی‌ها و گرفتاری‌هایی مثل کوبین و صف به تشویق کنند. ما هم گمان می‌کردیم همینکه که کشور اول شدیم هیچ کس خبردار نشد. هیچ نش می‌کردم کار مهمی نکردم و خیلی ساده و بی‌اد متوسط بودم و برای مدیر و معلم اون آموزشگاه این کشور انجام دادم.

ما رها بودیم. کسی نمی‌پرسید درست کجاست می‌امدن مدرسه فقط بلد بودن به معلم بگن: - آقا معلم خودت می‌دونی گوشش از تو، استخوانش یعنی این قدر بزنش که پوست و استخوان بشه. و اگر از بعضی پدر و مادرها می‌پرسیدی پسرت کلان - نمی‌دونم. چند ساله داره میره همین مدرسه که س

من طرفدار شما هستم

قاسم رفیعا

و اگر از بعضی پدر و مادرها می‌پرسیدی پسرت کلان چندمه؟ برن تعارف من گفتم: - نمی‌دونم. چند ساله داره میره همین مدرسه که سر قبر تو نموده استخون چیه؟

ایرانی

ادم یاد فیلم‌های سیاه و سفید آمریکایی می‌افتد که قطاری را نشان می‌دهد که در حال عبور از تونل است. اما اگر شما با قطار به استان مازندران «ورسک» است و از جاده‌های ریلی است که عبور از آن برای مسافران کمی ترسناک است و مهندسانی از چند کشور ساخته شده است، اما وقتی کار تلاش کرد موفقیت این کار را به نام خودش تمام کند.

چالشی به عنوان جاده

سال‌ها قبل وقتی قرار بود راه‌آهن تهران به شمال کشیده شود بیشترین موردی که برای مهندسان به مسأله‌ای جدی تبدیل شده بود چگونگی عبور جاده از کوه‌های سر به فلک کشیده و دره‌های عمیق این جاده بود. مهندسان ایرانی کنار مهندسان آلمانی و اتریشی کارشان این بود که از صبح تا شب دور هم جمع شوند تا نقشه عبور قطار را طراحی کنند.

میرتویند به این دلیل این کار را در سال ۱۳۱۵ به صورت رسمی افتتاح کرد. این کار در مهرماه سال ۱۳۱۵ ثبت ملی شده است. هزینه ساخت این کار در زمان خورشید ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان شده بود. مهندس سزنده این کار را در زمان رضاشاه به همراه خانواده‌اش زیر بار نام داشت تا او را در نظر بگیرد. آن روز بعد از مدت کوتاهی کار به پایان رسید. او را در یک کتاب مشرف به این کار در نظر گرفتند.

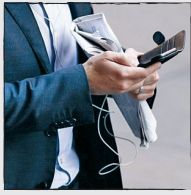
دره‌ای به نام ورسک

یکی از جاهایی که برای مهندسان به مشکل بزرگی تبدیل شده بود دره ورسک بود. این دره در نزدیکی قائم‌شهر قرار داشت و یک جای تفریحی هم برای مردم به حساب می‌آمد و نقشه‌ها این‌گونه کشیده شده بود که راه‌آهن از این مسیر عبور کند. کار آسانی نبود و نیاز به محاسبات دقیق داشت و به همین دلیل وقت و انرژی زیادی از مهندسان و طراحان این راه می‌گرفت. این مسیر دره بزرگی داشت که قطار نمی‌توانست از داخل آن رد شود و باید حتماً مسیر جدیدی برای آن ساخته می‌شد، اما بالاخره تلاش‌های آنها نتیجه داد و قرار شد پل درست شود تا قطار از روی آن عبور کند. روزی که قرار بود برای اولین بار قطار از روی پل بگذرد رضاخان میرپنج همه مهندسان را زیر پل فرستاد تا اگر اشتباهی در طراحی و ساخت آن انجام داده‌اند، نتیجه‌اش گریبان آنها را بگیرد. آن روز قطار با سلامت رد شد و هنوز هم پس از گذشت هشت دهه از ساخت آن، عبورمورور از روی آن به سلامت انجام می‌شود.

ساخت پل ورسک از سال ۱۳۱۳ شروع شد و در بهمن‌ماه سال ۱۳۱۵ به صورت رسمی افتتاح شد. این کار در مهرماه سال ۱۳۱۵ ثبت ملی شده است. هزینه ساخت این کار در زمان خورشید ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان شده بود. مهندس سزنده این کار را در زمان رضاشاه به همراه خانواده‌اش زیر بار نام داشت تا او را در نظر بگیرد. آن روز بعد از مدت کوتاهی کار به پایان رسید. او را در یک کتاب مشرف به این کار در نظر گرفتند.

پل ملی

اما بی‌دلیل نیست که این پل به پل ملی و حتی رکورددار در گینس ثبت شده است. برای خودش چند دلیل دارد؛ این پل نه از آهن و فولاد ساخته شده است و نه از ملات مسلح (ماده خمیری‌شکلی است که مصالح بنایی را با یکدیگر می‌چسباند) بلکه با شن و ماسه درست شده است؛ یعنی همین شن و ماسه معمولی که برای ساخت خانه‌ها از آن استفاده می‌شود. این پل باید طوری ساخته می‌شد تا شیب سربالایی‌ها را بگیرد و سرعت قطار را کم کند. تازه موضوعی که خیلی در ساخت این پل اهمیت دارد این است که برای ساخت آن از طبیعت مایه نگذاشته‌اند و مثل امروزی‌ها نبودند که جنگل‌ها را خراب کنند تا ویلاسازی کنند. این مهندسان تصمیم گرفتند دست به طبیعت اطراف نزنند. این مسأله باعث شد که مسیر کمی با فراز و فرود کوه همراه شود، اما با این حال درختی قطع نشد.



همشهری آنلاین

وای‌فای رایگان برای همه مردم شهر

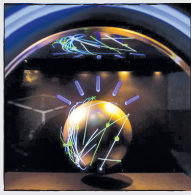
مسئولان شهر ملبورن استرالیا دست به کار جالبی زدند. آنها برای همه وای‌فای رایگان ارائه دادند تا آرزوی رسیدن به ساخت بزرگ‌ترین شبکه اینترنت رایگان را به واقعیت نزدیک کنند. هر موبایل، تبلت و کاربر در این شهر می‌تواند ۲۵۰ مگابایت دانلود یا آپلود داشته باشد و نیاز به هیچ ثبت‌نام و رمز کاربری ندارد. آنها با این کار می‌خواهند آمار دقیق افراد در استفاده از اینترنت را به دست بیاورند و یک‌جورهایی هم اسم‌شان را در کتاب رکوردهای گینس به ثبت برسانند.

چه جالب

ایستنا

ابرا یانه «واتسون» معلم ریاضی می‌شود

ابرا یانه‌ای که تابه‌حال کارهای زیادی از جمله ساخت فیلم تا بازی شطرنج با بزرگان شطرنج جهان را انجام داده است، اکنون قرار است معلم شود. این ابرایانه که «واتسون» نام دارد با برنامه مشاور معلم قرار است به معلم‌ها در برنامه‌ریزی درسی کمک کند. شاید همه فکر کنند درس ریاضی در دوران ابتدایی خیلی راحت باشد، اما نرم‌افزار مشاور معلم می‌تواند به معلم‌هایی که با تغییر کتاب‌ها آشنا نیستند در طراحی تمرین‌ها و درس‌ها کمک کند. وقتی این ابرایانه این برنامه را تهیه کند به صورت رایگان در اختیار معلم‌های ریاضی در آمریکا و اروپا قرار می‌گیرد.



ابرایانه همه‌فن‌حریف

ایستنا

زنگ عاطفه‌ها شبیه نواخته می‌شود

محبت و مهربانی چیزی است که کوچک و بزرگ نمی‌شناسد و خیلی از بچه‌ها همراه بزرگ‌ترهایشان در کارهای خیر شرکت می‌کنند. قرار است امروز جشن عاطفه‌ها در مدارس برگزار شود و با کمک‌هایی که بچه‌ها انجام می‌دهند دانش‌آموزان کم‌برخوردار همان مدرسه از امکاناتی مثل پوشاک، لوازم‌التحریر و... بهره‌مند شوند. در مرحله نخست جشن عاطفه‌ها تا کنون ۲۵۰ میلیارد ریال کمک‌های مردمی ثبت شده است. این دومین مرحله برگزاری جشن عاطفه‌ها به حساب می‌آید. قرار است با نواختن زنگ عاطفه‌ها در مدرسه، بچه‌ها شادی حضور در مدرسه را با هم قسمت کنند.



آفرین به بچه‌های باعاطفه

مهر

طرح «هر هیأت، یک جهیزیه»

امسال قرار است هیأت‌ها دست‌به‌دست هم بدهند و جهیزیه دخترانی را آماده کنند که توان خرید وسایل زندگی‌شان را ندارند. مسئول اجرای طرح آیینیه و شمعدان (خرید جهیزیه برای دختران بی‌بضاعت) اعلام کرد که می‌خواهیم از فضای معنوی این ماه و هیأت‌های مذهبی برای تأمین جهیزیه و اجرای طرح «هر هیأت، یک جهیزیه» استفاده کنیم. «تائینی» گفت: «تهیه جهیزیه از سوی هیأت‌های عزاداری به دو شیوه انجام می‌شود؛ ابتدا هیأت‌ها می‌توانند کمک‌های مردمی را جمع‌آوری کرده و به شماره مشخص شده به نام آیینیه و شمعدان واریز کنند. همچنین هیأت‌ها می‌توانند خودشان به صورت مستقیم خانواده‌های نیازمند به جهیزیه را معرفی کنند.»



کار بزرگ

مهر

سفر به مریخ در ۸۰ روز محقق می‌شود

شرکتی فضایی در حال ساخت فضاپیماهایی است که سفر به مریخ را آسان می‌کند. این فضاپیما قرار است که اولین مسافران مریخ را به این سیاره برساند. آنها اسم فضاپیماشان را «قلب طلا» گذاشته‌اند. این فضاپیما در هر سفر می‌تواند صد نفر را با خودش به مریخ ببرد و اکنون هم در حال طراحی نوع بزرگ‌تر آن است و می‌خواهد ظرفیتش را به دوپست نفر افزایش دهد. مدت زمان رسیدن به مریخ دست‌کم ۸۰ تا ۱۵۰ روز است که این متغیر بستگی به فناوری و سال اعزام به مریخ دارد. احتمالاً به دلیل خطرهای این سفر هیچ کودکی اجازه رفتن به مریخ را نخواهد داشت.

سفری بدون بچه‌ها

نمی‌دونیم که انسان برای زندگی کردن آفریده شده نه برای کلاس رفتن. بعد نتایج کنکور که میاد هر جا قبول شده باشه میگه:

- ولی من خیلی بیشتر زحمت کشیده بودم.

چند وقت پیش مهمان دوستی بودیم که به شدت معتقد به کلاس بود؛ البته پسر بزرگش حقوق می‌خوند و در دانشگاه تهران مشغول تحصیل بود و پسر کوچیکش تو راه دانشگاه، اما استرس تو خونه موج می‌زد. پسرش عاشق این بود که کنار ما لحظاتی رو بگذرونه و با هم تفریح کنیم، ولی باید می‌نشست و درس می‌خوند. احساس کردم دلش با ماست، اما چنان استرسی بهش وارد شده بود که حتی خودش هم می‌گفت:

- من باید درس بخونم.

هنوز دو سال به کنکور مونده بود.

احساس می‌کنم زندگی سختی داشت. احساس می‌کنم دلش می‌خواست جوانی کنه، شور و هیجان داشته باشه بدو تو باغ و دار و درخت. از جوانی با این انرژی چی می‌مونه وقتی برسه به دانشگاه؟ بچه‌ها من طرفدار شما هستم، سعی کنید از زندگی تون لذت ببرید. سعی کنید لذت زندگی آرام و بی‌دغدغه را داشته باشید. دخترها بیشتر میرن دانشگاه و پسرها کمتر، باید بدنید که فردا به توان همه شما برای آبادانی این کشور نیاز هست. من و امیرحسین با هم قرار گذاشتیم من برای او شخصیت قائل بشم، اجازه بدم در حد خودش بازی کنه، در حد خودش تفریح کنه، در حد مجازش شرارت کنه (هرچند من هم که اجازه ندم بی‌اجازه این کارو می‌کنه، بهتره حد و حدود خودشو بدونه و پا رو از حد خودش بیرون نذاره).



«دوستان عزیز به نصیحت دوستانی به وقتای پر و مادرها برای این که بین شما بزرگ‌ترین شایسته‌ترین نظرها رو بدید. ممنون از شما به مشورت‌هایی بایران، اونجا بهترین فرصت که شما معقولاً بهترین نظرها رو بدید.»

دوستان عزیز به نصیحت دوستانه. یه وقتایی پدر و مادرها برای این که بین شما بزرگ شدید یا نه ممکنه از شما یه مشورت‌هایی بگیرن؛ مثلاً در مورد پرده‌های منزل، دکوراسیون اتاق پذیرایی، اونجا بهترین فرصت که شما معقولانه‌ترین نظرها رو بدید. توجه اونارو به خودتون جلب کنید. از ارائه پیشنهادها ساده‌انگاره و غیرمنطقی خودداری کنید چون سریع پدر و مادر به این نتیجه می‌رسند که: - نه این بچه هنوز بچه است، هنوز زوده که از این بچه نظر خواهی کنیم. اجازه ندید پدر و مادرها اعتمادشون رو به شما از دست بدن. بلکه باعث بشید اونارو باطمینان بیشتر کارهای بیشتری رو به شما بسپارند. چیزی که ما سال‌های سال نیازمند بودیم داشته باشیم و ندانستیم. امروز ما می‌دونیم بچه‌ها مون کلاس چندم هستند. خودمون برای بچه‌ها مون برنامه‌ریزی می‌کنیم. انتخاب واحد می‌کنیم براشون و برای آینده‌شون تصمیم می‌گیریم. زیاد هم به این موضوع که به چه رشته‌ای علاقه‌مند هستند کار نداریم، اما این اشتباهه، باید به اونارو اعتماد کرد. به خواسته‌های اونارو اهمیت داد و برای اون خواسته‌ها احترام قائل بود و فقط باهاشون مثل مشاور گفت‌وگو کرد. بچه‌ها من طرفدار شما هستم.

وقتی می‌دیدم فلان ورزشکار هم که قهرمان دوومیدانی شده روی نیمکت بغلی من نشسته و بی‌ادعا داره با بند کفشش بازی می‌کنه و تنها دلخوشی زندگی‌اش اینه که زودتر زنگ بخوره و بره خونه، احساس کردم ما وظیفه داریم همه تلاشمون رو برای خودمون بکنیم تا بین این‌ها سر یه اندازه به اندازه یک سر و گردن بالاتر قرار بگیریم. حالا سال‌های سال گذشته. اون همه سر یه اندازه سری بین سرها در آوردند. هر کدومشون برای خودشون کسی شدند و صاحب داشته‌هایی قابل توجه هستند و من که دنبال سری توی سرها بودم سرم زیر آب شده. سرم رفته تو لاک زندگی‌ام و گرفتار یک نون بخور و نمیرم. فقط یه دغدغه می‌مونه اونم اینه که این همه وقتی که برای شعر گذاشتیم اگه توی بازار تلف می‌کردم الان برای خودم شخص صاحب مالی بودم و صاحب احترام.

تکلیف چی‌ه؟ اگه پدر و مادرا...

از ما...

چندمه؟ بی‌تعارف می‌گفت: بر قبرستونه! اسمش چی‌ه؟

اما با این حال توی اون کنکورهای سخت بچه‌های کلاس ما توی بهترین دانشگاه‌های کشور (اون زمان دانشگاه آزاد و پیام نور و علمی کاربردی و...) نبود و کنکور سخت‌ترین اتفاق زندگی آدم‌ها بود) قبول می‌شدند و پزشکی و مهندسی و حقوق و... می‌خوندند.

امروز - بیشتر بچه‌ها لحظه‌ای به نفس کشیدن حتی فکر نمی‌کنند برای دقیقه دقیقه زندگی‌شون برنامه‌ریزی دارن. اگه هر لحظه بررسی الان کیجا هستن، حتماً میگه:

- دارم میرم کلاس.

- این کلاس تموم شده دارم میرم اون کلاس.

- باشگاه دارم.

- دارم میرم آموزشگاه.

و کلاس کلاس کلاس.

سفر به مریخ در ۸۰ روز محقق می‌شود

سفری بدون بچه‌ها

کار بزرگ

مهر

ایستنا

چه جالب

ابرا یانه «واتسون» معلم ریاضی می‌شود

زنگ عاطفه‌ها شبیه نواخته می‌شود

ابرا یانه همه‌فن‌حریف

چالشی به عنوان جاده

دره‌ای به نام ورسک

پل ملی

همشهری آنلاین

وای‌فای رایگان برای همه مردم شهر

سفر به مریخ در ۸۰ روز محقق می‌شود

سفری بدون بچه‌ها

کار بزرگ

مهر

ایستنا

چه جالب

ابرا یانه «واتسون» معلم ریاضی می‌شود

زنگ عاطفه‌ها شبیه نواخته می‌شود

ابرا یانه همه‌فن‌حریف

چالشی به عنوان جاده

دره‌ای به نام ورسک

پل ملی

همشهری آنلاین

وای‌فای رایگان برای همه مردم شهر



15000 Likes
View all 4232 comments

اینها را از وسط خانه‌ای که در حال اسباب‌کشی است می‌نویسم! تقریباً جایی بین وسایل جمع‌شده پیدا کرده‌ام که به پریش برق و اینترنت دسترسی داشته باشد تا بتوانم خانم هشتک امروز را تایپ کنم.

راستش این موقع هاست که آدم معنی نظم و ترتیب را بهتر می‌فهمد. آن موقع‌ها اتاقی یک‌نفره یا بعضی وقت‌ها دونفره با خواهر یا برادرمان داشتیم که همیشه به‌هم ریخته و پر از اسباب و وسیله بود. حتماً شما هم اتاق این شکلی‌تان را گاهی به خاطر اینکه دارد مهمان می‌آید یا اینکه دیگر مادر ممکن است صبرش تمام بشود، تمیز می‌کنید. تا این سن و سال مسؤولیت همین یک اتاق با ماست که اگر گاهی نظم و ترتیب هم نداشت می‌شد درش را بست تا کسی داخل آن را نبیند. اما بعدها مسؤولیت یک خانه؛ کوچک یا بزرگ روی دوش ماست. دختر و پسر هم فرقی ندارد. خانه برای یک خانواده است. راستش یک حس ناخودآگاه مسؤولیت‌پذیری در کسی که خودش خانه‌ای دارد یک‌دفعه بیدار و باعث می‌شود از هر به‌هم ریختگی‌ای بدش بیاید. دنبال فرصتی باشد تا خانه را جمع‌وجور کند و اگر این فرصت به خاطر مشغله‌ها به وجود نیاید حسابی کلافه بشود. حالا این کسی که درباره آن صحبت می‌کنیم، احتمال زیاد همان دختری یا پسری است که در زمان نوجوانی یک عدد شتر با باربونه فراوان در اتاقش گم می‌شد! برای همین خیلی هم سخت نیست اگر بخواهیم نظم و ترتیب داشتن را از الان مرور کنیم. درست است که قاعده‌های منظم و دستوری چیزی است که ذهن بیشتر نوجوان‌ها با آن مشکل دارد، اما بالاخره خواهی‌نخواهی این نظم و برنامه‌ریزی از یک‌جایی وارد زندگی‌هایمان خواهد شد. پس چه بهتر که از الان برای آن کمی تمرین کنیم.

خبر مربوطه:
روان‌شناس‌ها می‌گویند که انضباط امری آموختنی است و به آموزش نیاز دارد. اگر انسان اصل را بر رعایت نظم و انضباط قرار نمی‌داد، جهان هیچ پیشرفتی نمی‌کرد.

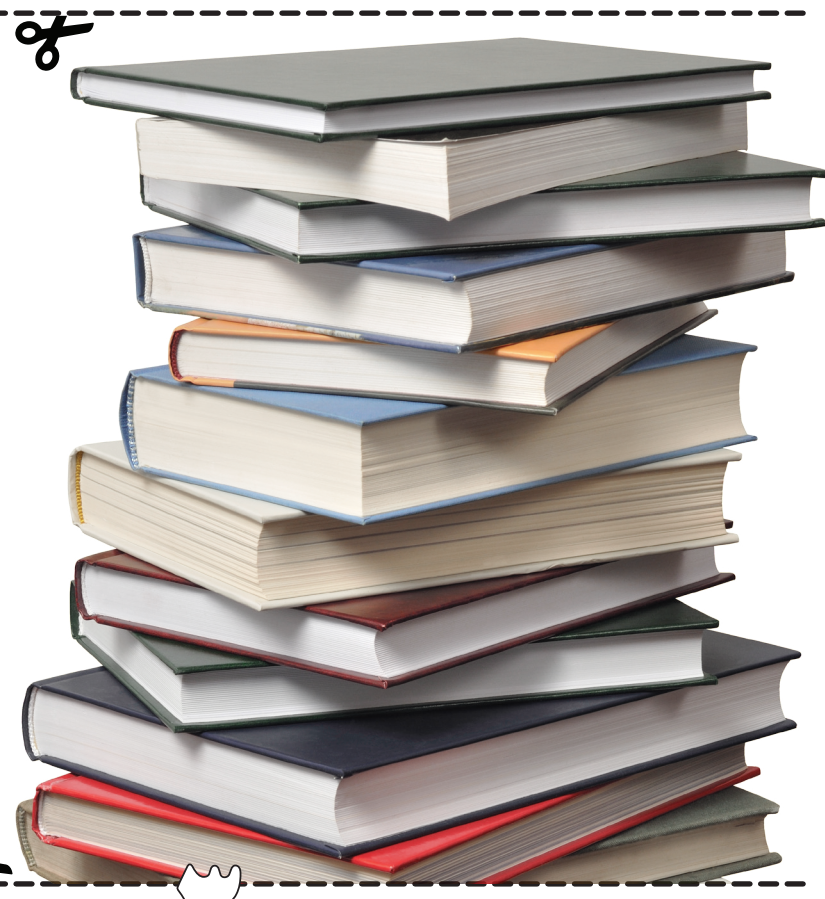


خودروهای فانتزی در فضای زندگی واقعی

بعضی از دانش آموزها هنوز کتاب ندارند

کتاب‌های من کجاست؟

با وجود اینکه یک هفته از شروع سال تحصیلی جدید گذشته است، بعضی از دانش آموزان هنوز کتاب درسی ندارند! امسال برای اولین بار کتاب‌های درسی از طریق ثبت‌نام در سامانه‌ای آموزشی به دانش آموزان تحویل داده می‌شد، اما این سامانه مشکلاتی را برای دریافت کتاب‌های درسی به وجود آورده است.



مشکلات بی‌پایان دانش آموزان افغان

عده‌ای مثل مادر سجاد در سامانه ثبت‌نام کرده‌اند، ولی به دلایل مختلف تا الان موفق به دریافت کتاب نشده‌اند. اما دانش آموزان دیگری هستند که از همان اول اصلاً نتوانسته‌اند در سامانه ثبت‌نام کتاب نام‌نویسی کنند. آنها دانش آموزان افغانی هستند که مثل همیشه بر سر دوره‌های اجازه تحصیل داشتن یا نداشتن در ایران مانده‌اند. با اینکه رهبر معظم انقلاب چندوقت گذشته تأکید کردند که همه دانش آموزان افغانی باید امکان ادامه تحصیل در ایران داشته باشند، اما هنوز هم مشکلاتی مثل همین دریافت نکردن کتاب سر راه آنها وجود دارد.

مشکلات حل می‌شوند

درباره ماجرای گم شدن فیش کتاب‌های درسی سجاد، در این‌باره معاون سازمان پژوهش و برنامه آموزشی آموزش و پرورش می‌گوید که برای دریافت کتاب اصلاً نیازی به فیش نیست بلکه اسامی دانش آموزان در سامانه ثبت شده و قابل دسترسی از سوی مدیران مدارس است. به نظر می‌رسد که کار مدیر مدرسه سجاد تا الان درست نبوده و او از روز اول باید کتاب‌ها را به دانش آموز تحویل می‌داده است، چون هم ثبت‌نام کرده، هم پول کتاب‌ها را پرداخت کرده و هم اسم او در سامانه ثبت شده است. از آن طرف درباره مشکلات دانش آموزان افغان هم مسؤولان پاسخ‌هایی داده‌اند؛ مثلاً مدیر کل نظارت بر نشر مواد آموزشی آموزش و پرورش گفته است که چون آمار دقیقی از دانش آموزان افغان نداشته‌ایم سامانه ثبت‌نام کتاب درسی به روی آنها بسته بوده است و کتاب‌ها با چند روز تأخیر بین این دانش آموزان هم توزیع می‌شود.

فیش گم‌شده

مادر «سجاد» می‌گوید که بعد از چند روز از شروع سال تحصیلی وقتی دیدم ممکن است به درس‌های پسر ضربه بخورد از یکی از همسایه‌ها برایش کتاب‌های کهنه قرض کردم. او در جواب اینکه چرا سجاد کتاب درسی ندارد، می‌گوید: «من اسم او را در سامانه ثبت‌نام کردم و فیش هم گرفتم، اما آن را گم کردم. حالا هم مدیر مدرسه می‌گوید که بدون فیش، کتاب نمی‌دهد و باید صبر کنیم تا وقتی همه دانش آموزان کتاب‌هایشان را گرفتند اگر کتابی اضافه آمد آن را به سجاد می‌دهیم.»

مادر سجاد می‌گوید که الان یک هفته گذشته، ولی مدیر کتابی به سجاد نداده است و با توجه به روحیه فرزندم می‌دانم خیلی سخت است که با کتاب‌های کهنه در کلاس حاضر شود.



الهی چیست غیر دست خط تو بر پیشانی
سرنوشتم و کیست غیر تو که در آینده
آیندهام به انتظار من؟ کجاست آسمانی که
رنگ تو را ندارد و ابرهائی که تو را نمی‌بارند
و زمینی که تو را شکوفه نمی‌کند؟
من کیستم آنجا که همه تو می‌شوند و
همه از تو اند؟
ای پادشاه بی‌غروب! فرمانروای از همیشه
تا همیشه! من کیستم؟ من کیستم؟ جز
سربازی به زانو افتاده و شکست‌خورده از
خویش! مگر تو پیش خوانی و باز نوازی
و بسزایم از تو!

لا اَمْرَ لِي مَعَ امْرِك، مَا فِي حَكْمِكَ،
عَدَلٌ فِي قَضَائِكَ،
وَ لِقَوْلِهِ لِي عَلَى السُّورِجِ مِنْ سُلْطَانِكَ،
وَ لَأَسْتَطِيعُ مُجَاوَزَةَ قُدْرَتِكَ،
وَ لَأَسْتَمِيلُ هَوَاكَ، وَ لَأَبْلُغُ رِضَاكَ،
وَ لَأَنْتَ مَا عِنْدَكَ إِلَّا بِطَاعَتِكَ وَ بِقَضَائِكَ رَحْمَتِكَ.

با فرمان تو مرا فرمانی نیست، حکم تو بر من جاری است
و قضایات در حق من براساس عدل است
و مرا قدرت خروج از قلمروی سلطنت تو نیست
و بر تجاوز از قدرتت قدرت ندارم
و قادر بر جلب محبتت نیستم
و به خشونت‌ات نتوانم رسید
و به آنچه نزد توست دست نخواهم یافت
مگر به سبب طاعت، فضل و رحمت تو.

فرازهای ۵ و ۶
از دعای ۲۱ صحیفه سجاده
برداشت و الهام آزاد
از اسماعیل فیروزی



با فرزند خود، بازی‌های آموزنده انجام دهید...
آقا فریدون! آخه این درست‌ه؟
بچه‌ت زده اینجوری کرده
می‌گه بابام یادم داده!!

واقعاً این پیتزا چه جوری این قدر فهمیده است؟ این همه شعور و مهربونی چه جوری تو این دایره کوچک جا شده؟
پیتزا واقعاً نابغه است.

عشق باید دوطرفه باشه، ولی متأسفانه ته‌دیگ ماکارونی اصلاً نمی‌دونه عشق چی هست.
رابطه مثل الاکلنگ می‌مونه باید نوبتی یکی کوتاه بیاد اگه همیشه فقط یک نفر کوتاه بیاد هر دو نفر زده میشن یکی از بالا موندن و دیگری از پایین موندن...

امیدوارم روزی برسه که ته‌دیگ به عنوان به غذا استقلال پیدا کنه تا مجبور نباشیم به خاطر به کف دست ته‌دیگ، این‌همه برنج و ماکارونی بخوریم.

اگر با شخصی که دوستش داری روبه‌رو شدی، لبخند بزنی تا عشقت را احساس کنه... اگر با دشمنت روبه‌رو شدی، لبخند بزنی تا قدرتت را احساس کنه... اگر با شخصی که زمانی ترکت کرده بود روبه‌رو شدی، لبخند بزنی تا احساس پشیمانی کنه... اگر با غریبه‌ای روبه‌رو شدی، لبخند بزنی تا با لبخند پاسخت را بدهد... این رمز موفقیت توست...

هشتکو
«هشتکو» جایی برای خندیدن، شاد بودن و حرف‌های خوشمزه زدن است.

توی اون هفته‌ای که موموم می‌ریم هم لازمه مسواک بزنینم؟
دلتنگی مثل چاقوی کُند می‌مونه. نمی‌پره، ولی به‌شدت درد داره.

ای کاش به خاطر کوچک‌ترین مهربونی‌ها از هم تشکر می‌کردیم که یادمون نره ایتنا وظیفه نیست.

موش‌هایی که تو تله موش گیر می‌کنن از ضریب موشی پایین‌تری نسبت به بقیه موش‌ها بهتر مهندسن.

نمی‌دونستم دوغه گاز داره، خوب تکونش دادم و درش رو باز کردم. چند دقیقه‌ای و ایسادم دیدم پاشش دوغ قطع نمی‌شه، به عنوان آب‌نما گذاشتمش وسط هال خونه‌مون.